

فرمان های عملی یا فرمان های شعاری داکتر اشرف غنی احمد زی

فرمان های که مطلق باوری و خودنگری رئیس جمهور را تائید میکند!!!

اول: چندی قبل در رسانه ای معتبر کابل خبری به نشر رسید که میدان هوایی کابل بنام میدان هوایی کرزی مسمی شد که این فرمان انتقاد مردم و اکثر نهاد های جامعه مدنی را بر انگیخت. در جهان معمول است که میدان هوایی بین المللی یا یک کشتی بزرگ نظامی یک شهر را بر انگیخت. در جهان کشور که اهمیت اقتصادی دارد و سمبول پیشرفت و ترقی یک کشور است بهیک رئیس جمهور و یا یک رهبر سیاسی که در دوران حیات سیاسی و خدمات بر جسته اجتماعی و سیاسی را در کشور انجام داده و باعث یک تحول بزرگ سیاسی و یا اجتماعی حتی اقتصادی در جامعه شده باشد به حیث یک زعيم ملی کشور شناخته میشود و به پاس خدمات آن یکآبده و یا یک محل را که ارزش تاریخی و اجتماعی داشته باشد بنام زعيم ملی خویش مسمی میسازند مانند میدان هوایی جان اف کندی نیویارک و یا میدان هوایی شارل دگول پاریس و یا از این قبیل ولی آقای کرزی در طول سیزده سال مصدر کدام یک تحول بزرگ (با وجود امکانات وسیع جامعه جهانی) در مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گردید که به حیث یک رهبر بزرگ سیاسی کشور و یا زعيم ملی شناخته شده و بنا بر خدمات بر جسته وی در مسایل سیاسی کشور میدان هوایی کابل بنام وی مسمی شود که این لقب بخشی اشتهای بزرگ است.

طوری که ما بیاد داریم اداره موقت و بعد حکومت انتقالی که سیزده سال قبل توسط امریکاه و موسسه جهانی ملل متحد نظر به حالت اضطراری تشکیل گردید و آقای کرزی بدون در نظر داشت تجربه سیاسی و اداری صرف به سبب اینکه به یک قوم خاص تعلق داشت در راس حکومت انتقالی انتصاب شد و یک تعداد اشخاص معلوم الحال دیگر که در زد خورد های قومی و کشتار مردم بی دفاع دست داشتند و هر یک از قوم خاص و یا مربوط به یک تنظیم و یا کلیک مسلح مربوط بودند در گردهمایی بن اول به کرسی وزارت برگزیده شدند که صاحب نظران سیاسی کشور این فیصله عجولانه جامعه بین المللی را یک اشتهای بزرگ سیاسی دانستند برای این جنگجویان اگر در بست اداری کشور کدام وزارت خانه وجود نداشت برای آنکه شخص جنگ سالار از یک قوم و قبیله خاص نمایندگی میکرد و از جانب کشورهای بیگانه حمایه میشد با نیست عنوان وزیر را میداشت پس لازم دیده شد که حتی یک وزارت خانه اضافی برای این سلحشوران ایجاد گردد. اکنون این وزیران و یا بهتر بگویم این کرسی نشینان مسلح و کم سواد سیاسی مقام وزارت و رتبه های بلند نظامی استر جنرال و دیگر جنرال را حق مسلم خویش دانسته و در مقابل ملت بلا کشیده و رنج دیده کوچکترین احساس مسئولیت نمی کنند و اگر از طریق وسایل اطلاعات جمعی نا توانی و نا رسائی این وزیران ساختگی و جنرال های کم سواد انتقاد شوند همزمان

ونزدیکان وزیر که شریک و همدست جنایات گذشته وی بودند هر انتقاد را شخصی گرفته و سر مقاطعه را با دستگاه نشراتی میگیرند و فساد اداری بدرجه نهایی آن گسترده شد .

آقای کرزیکه با چین وکلاه و تنبان آراسته شد وانمود میساخت که از همه اقوام کشور نمایندگی میکند و خود را شخصی جلو میداد که سیاست اتحاد اقوام را در پیش گرفته است ولیاین فرمول قلابی نیز کار گر نیافتاد و بالاخره در طول ریاست جمهوری اش بتدریج برتری قومی و قبیلوی وی را نمایان ساخت واعتماد مردم را در کشور بکلی از دست داد.

در جریان سال ۲۰۱۴ بالاخره دور ریاست جمهوری افتزاح آمیز کرزی که با تقلب های گسترده همراه بودبه پایان رسید ولی باز هم به تقلبات دوره حکومت دراز مدت اش بسنده نکرده و توسط صحنه سازی های که از جانب آقای کرزی ودار دسته اش رهبری میشد انتخابات را به بحران کشید و انتخابات افتزاح آمیز بعد از کشمکش های سیاسی که مدت شش ماه را بطول انجامید و آقای اشرف غنی احمد زی که به نزد ملت از مشروعیت سیاسی بر خوردار هم نیستبه اریکه قدرت سیاسی تکیه زد و مدت یک هفته نگذشته بود که آقای اشرف غنی به پاس خدماتی ؟؟؟؟ که کرزی در انتخاب وی به حیث رئیس جمهور انجام داد میدان هوایی کابل را بنام وی نام گذاری کرد .

دوم : شعار اشرف غنی که شایسه سالاری را جا گزین فرد گرایی میسازد ودرکابینه وی اینبار اشخاص با استعداد متخصص و تکنوکرات که متعهد به خدمت در وطن باشندانتخاب خواهد نمود و با یک تیم قوی که بتوانند در مقابل فساد اداری مبارزه کنند ورئیس جمهور را در طرح پلان های اقتصادی وانکشافی کشور حمایه کنند کابینه را تشکیل خواهد نمود ولی تا حال از کابینه وی خبری نیست ودر هفته اول دوشخص معلوم الحال دیگر را نظر به راپورهای شبکه های اطلاع رسانی کشور که به اختلاص غارت بیت المال وسابقه جنایی به پست امر امنیت ملی و دیگرش را به مشاور عالی مالی واقتصادی انتصاب نمود وبخصوص آقای زاخیل وال که به فساد گسترده مالی متهم است این حرکت رئیس جمهور برخلاف شعارشایسته سالاری که وی از آن صحبت میکرد میباشد .

سوم : فرمان عجولانه دیگر اشرف غنی رسیدگی مجدد بهدوسیه اختلاص کابل بانک بود که باید در ظرف یک ماه نتیجه نهایی اختلاص کابل بانک توسط قوه قضایی کشور تکمیل و به ریاست جمهوری سپرده شود واز جمله ۲۱ نفر که متهم به اختلاص بودند صرف هفت نفر تحت نظارت گرفته شد ومتباقی در کشورهای خارج به سر میبرند که استرداد این اشخاص توسط انترپول زمان گیراست ودر ظرف یک ماه امکان حل وفصل آن بعید به نظر میرسد ومزید برآن دونفر دیگر مسعود غازی رئیس کابل بانک نو و محب اله صافی رئیس بانک ملی به اختلاص کابل بانک سهیم بودند وتوسط محکه به حبس محکوم گردیدند ولی حکم محکمه بالای این دوشخص نتها تطبیق نگریدید بل به وظایف خود تا چند روز قبل نیز به حیث رئیس بانک ادامه میدادند وبه ضمانت شخص وزیرمالیه آقای زاخیل وال ورئیس بانک مرکزی آقای دلاوری بکلی آزاد بودند.همین آقای زاخیل وال که چند روز قبل به حیث مشاور عالی امور مالی آقای اشرف غنی احمد زی انتصاب شد درحالی که این شخص به فساد گسترده در وزارت مالیه متهم است . باز شدن دوباره پرونده کابل بانک متهمان بانک را دست وپاچه نمودوهریک به محل های نا معلوم و کشورهای خارج متواری شدند این رویداد به مشکل حل قضیه کابل بانک خواهد افزود واگر این فرمان در ظرف یک ماه عملی نشود که به یقین کامل نخواهد شد . اگر پرونده کابل بانک در ظرف یک ماه طوری که رئیس جمهور فرمان صادر نمود حل وفصل نگردد عملی نشود در تصامیم درمبارزه به فساد

اداری وی صدمه خواهند رسانید و مردم به تدریج از عمل دولت در راه مبارزه با فساد که آقای اشرف غنی براه انداخته بی باور خواهند شد .

آقای رئیس جمهور باید مواظب فرمان های خویش باشد و باید ثابت بسازد که زبان و کردار وی یکسان است تا بتواند اعتماد ملت را جلب کند و از انتصاب یک تعداد اشخاصی که در دروان حکومت نا فرجام کرزی همکار نزدیک وی بودند و از موقف سیاسی و نظامی خویش سوء استفاده ها نمودند ملت این اشخاص را بخوبی شناخته و همه به این نظر اند که روش های گذشته این اشخاص نتنها بر پایه مردمی استوار نیست بل انتخاب این اشخاص معلوم الحال در کابینه جدید اشتباه بزرگ خواهد بود .